

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرانقدر شما در پاسخ به سوالی که فردی درباره اختلاف نظر با ولی فقیه پرسیده بود، پاسخ دادید که اگر آن شخص به یقین برسد که نظر خودش درست و نظر رهبری غلط است، می تواند به نظر رهبری عمل نکند ولی حق ندارد که نظرش را در جامعه نشر دهد و موجبات تضعیف رهبری را فراهم کند. اما اینجا دو سوال پیش می آید: ۱- جواز این که فرد می تواند در صورت یقین به غلط بودن حکم یا نظر رهبری، به آن عمل نکند از کجاست؟ آیا فقیهی اینچنین حکمی داده است یا اجتهاد حضرت عالی بوده است؟ ممکن است به بیانات چند باره رهبری مبنی بر عدم اشکال مخالفت کارشناسی با نظر رهبری استناد کنید که آن بیانات قطعا در حیطه حکم نبوده است! پس اولاً از کجا می گوئید که حکم ولی را در صورتی که یقین و حجت پیدا کنیم که غلط است، می توان اجرا نکرد؟ و اگر اینطور است چرا به ما گفته اند مرجع تقلید حجت است حتی اگر اشتباه کند؟ دوماً اگر منظورتان فقط در حیطه نظر است سوال دوم پیش می آید: ۲- اگر آن شخص به این نتیجه برسد که نظر رهبری غلط است و در نزد خداوند حجت داشته باشد که نظر رهبری غلط است، آنوقت وظیفه ای در قبال اصلاح نظر رهبری ندارد؟ چون فی المثل عموم اختلاف نظرهای مخالفان نظری آیت الله خامنه ای، پیرامون مسائل اجتماعی و کلان است؛ نه مثلاً نحوه مسواک زدن یا معیارهای یک همسر خوب!!! بنابراین اگر فردی به این نتیجه برسد، شرعاً بر او لازم نیست که جلوی یک انحراف را در مسیر اداره مملکت امام زمان بگیرد؟ مثلاً در حوزه های مختلفی مثل عدالت، سیاست، مدل پیشرفت و...؟ نصیحت حاکمی که در خلوت و جلوت وظیفه مردم زمان امیرالمومنین بوده الان جایگاهش دقیقاً کجاست؟ البته ناگفته بدهی است که اقتضائات رسانه ای زمان امیرالمومنین با اقتضائات زمان کنونی تفاوت های جدی و عظیمی دارد و فی المثل انتظار ندارم که هر بنی بشری بتواند به راحتی زمان امیرالمومنین به حاکم دسترسی داشته باشد چون قاعدتاً جمعیت و حجم کار حکم اسلامی به مراتب بزرگ تر از قبل است.... ببخشید از این که پرحرفی کردم لطفاً سعی کنید به تمامی سوالات مطروحه پاسخ دهید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در علم اصول، ابتدای بخش حجج، مبحثی به نام حجیت قطع مطرح است که به این معنی است که اگر شخصی قطع به حکمی پیدا کند، برای او حجت است مگر این که از مقدمات آن قطع نهی شده باشد به همین خاطر اگر شخصی قطع به مخالفت حکم یک فقیه با واقع

کند، می تواند به آن عمل نکند و حتی اگر قطع پیدا کند که حکم آن فقیه، الزام به مفسده باشد عقلا نمی بایست به آن عمل نماید. البته منظور از «حکم»، حکم مترتب بر موضوع است که هر فقیهی آن را در موضوع های مختلف استنباط می کند ولی در مورد «حکم حاکم» و جواز و عدم جواز عمل کردن به آن، مسأله متفاوت است. ۲- این که گفته اند نظر مرجع تقلید حتی اگر اشتباه باشد حجت است، در موردی است که برای مکلف قطع به اشتباه بودن آن حاصل نشود که در این صورت آن حکم حجیتی ندارد. البته باید توجه داشت که تحصیل حجت و قطع، بایستی از راهی باشد که خود آن راه حجت داشته باشد و از آن نهی صادر نشده باشد و به همین خاطر است که برای کشف احکام و فهمیدن درست و اشتباه نظر فقها، تا خود شخص اهل فنّ نشده باشد و بر طبق موازین استنباط حرکت نکند نه اشتباه بودن یک حکم را می تواند درک کند و نه قدرت استنباط حکم صحیح را دارد و به همین خاطر است که می گوییم هر کسی نمی تواند ادعای تحصیل قطع نماید تا مبادا سر از قرائت های مختلف و اجتهاد های بدون ضابطه و احکام ذوقی در آوریم. ۳- اگر شخصی با امعان نظر کارشناسانه به این نتیجه برسد که رهبری، در حیطة ی فلان نظر، نظر خلاف واقعی دارند در صورتی که بتواند به صورت منطقی و بدون ایجاد حاشیه آن را به رهبری برساند نه تنها خدمتی به نظام مقدس جمهوری اسلامی کرده بلکه همان طور که گفته اید به وظیفه ی خود عمل نموده. موفق باشید